

بیمه از نظر حقوق مدنی

«۲۲»

ولی بطوریکه کراراً گفته شد مثل اینستکه مقنن در قانون بیمه ناظر این نوع بیمه نبوده است و حکمی که در قسمت دوم ماده ۲۳ معین میکند بطور اعم است و میگوید باید رضایت کتبی بیمه شده قبل از انعقاد قرارداد تحصیل شده باشد و اگر فرض شود که این قسم بیمه هم مشمول تعریف مذکور در ماده ۱ قانون بیمه است و نتیجه نظر مقنن در مورد آنهم همین حکم بوده است باید نظر او را حمل بر این نمود که اتخاذ رویه مزبور - برای اینکه از تقلبات ممکنه جلوگیری شود تا بیمه عمر از شرط بندی روی عمر اشخاص مجزا و تفکیک گردد.

اما در بیمه عمر در مقابل مرگ یا نقصان یا شکستن عضو شخص یا اشخاصی دیگر مثلاً کسی با بیمه گر قرارداد نماید که سالی هزار ریال باو بپردازد مادام که فلانکس زنده است و هر وقت او فوت شد یا فلان عضو بدنش شکست بیمه گر مبلغ پانصد هزار ریال به بیمه گذار یا شخص دیگری بدهد - در این نوع بیمه دیده میشود که نفع مالی بیمه گذار یا شخص منتفع اقتضاً دارد هر چه زودتر بیمه شده فوت شود یا فلان عضو بدنش بشکند و بدیهی است که این امر بی نهایت برای بیمه شده خطرناک است چه ممکن است باغلب احتمال بیمه مزبور بجنایتی منجر گردد بنابراین باید کسی که عمر دیگری را به بیمه میدهد علاقه معنوی بیشتری به بیمه شده داشته باشد و هیچوقت نفع خود را ترجیح بر فوت یا شکستن عضو او ندهد و از آنجا که تشخیص این امر تا حدی مشکل است بنابراین در غالب قوانین مقرر شده است که هر گاه بیمه شده بر این امر راضی باشد عقد صحیح است والا باطل خواهد بود چنانکه قسمت دوم ماده ۲۳ قانون بیمه نیز میگوید « بیمه عمر یا بیمه نقص یا شکستن عضو شخص دیگری در صورتیکه آن شخص قبلاً رضایت خود را کتباً نداده باشد باطل است. » بنابراین هر گاه چنین بیمه ای منعقد شود و بیمه شده پس از امضاء قرارداد رضایت خود را بدهد این رضایت اثری نخواهد داشت زیرا معامله غیر نافذ نبوده که با تنفیذ او معتبر گردد - بلکه معامله اساساً باطل بوده است و اصولاً در مورد قرارداد بیمه بهتر آنست که گفته شود. هر معامله فضولی اعم از اینکه موضوع آن شخص یا مال باشد باطل است نه غیر نافذ و این معنی از مواد ۵ و ۶ و در قسمت دوم ماده ۲۳ استنباط میگردد و همچنین در مورد بیمه عمر اگر رضایت بیمه شده کتباً بعمل نیاید نمیتواند منشاء اثر باشد و اتخاذ این رویه و مخصوصاً قید کتبی بودن آن از نظر محافظه کاری و احتیاط و جلوگیری از تقلبات و مراعات نظم عمومی کمال لزوم را داشته است.

بیمه از نظر حقوق مدنی

وهمینطور در بیمه اجتماعی که مثلاً رئیس کارخانه ایکه قطعاً علاقه بیشتری بحیات کارگران وصحت آنها دارد باید درموقعیکه عمر آنها را به بیمه میدهد ویا آنها را درمقابل فقدان یا شکستن عضو بدن بیمه میکند رضایت کارگر کسب شود. کسب رضایت کارگران را قانون بیان نکرده است ولی از ملاحظه صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی^۱ معلوم میشود که اگر کارگران اشخاص معینی باشند کسب رضایت آنها لازم است زیرا وقتی که ماده ۲۲ میگوید اگر عضو شخص دیگری به بیمه گذاشته شده است رضایت آن شخص هم لازم است جلب شود این یک قاعده ای میباشد ووقتیکه نقصان عضو ده نفر به بیمه گذاشته شد رضایت هر یک از آنها نیز باید تحصیل شده باشد ولی اگر کارگران جماعت قابل تغییری باشد که منطبق با اشخاص معینی نشود و از آنجا که ممکن است کارگران دائماً تغییر کنند بنابراین رضایت آنها شرط نیست زیرا موضوع بیمه بطور کلی تعیین شده است.

امروز کارخانجات کارگران را درتادیه حق بیمه سهیم میکنند ونتیجه این عمل کاشف از رضایت آنها میباشد ورحیقیت بین کارگران یکتوع بیمه متقابل برقرار میگردد و بالاخره ورود کارگران بمؤسساتی که عموماً یا عضو کارگران خود را به بیمه میدهند کاشف از رضایت آنها میباشد.

قسمت دوم

وظائف و تکالیف بیمه گذار

گرچه قانون بیمه بطور صریح و واضح وظائف و تکالیف بیمه گذار را معین نکرده است ولی از مجموع مواد مربوطه میتوان گفت که بیمه گذار دارای چهار تکلیف عمده میباشد که عبارتست از.

- ۱ - اظهار مطالب و بیان کیفیاتی که چه درزمان انعقاد قرارداد وجه بعد از آن تا تاریخ ختم بیمه باید بیمه گر از آنها مطلع باشد.
 - ۲ - اتخاذ احتیاط و مواظبت مال بیمه شده درحدود متعارف.
 - ۳ - آگاه ساختن بیمه گر از حدوث خطر و توجه خسارت.
 - ۴ - تأدیه حق بیمه.
- قره یکم - بیان کیفیات و اظهارات لازم درموقع انعقاد و مطلع ساختن بیمه گزار ازتغییرات حاصله.

الف در موقع انعقاد بیمه گذار مکلف است درزمان انعقاد قرارداد اطلاعاتی را که بیمه گر لازم دارد باو بدهد ومعولاً بیمه گر درضمن سئوالاتی که از بیمه گذار میکنند و بیمه گذار درمقابل آنها جواب میدهد اطلاعات لازم را بدست میآورند.

۱ - صورت مشروح مذاکرات مجلس شماره ۷۸۲ صفحه ۹۸۲ و ۹۸۳ جلسه ۱۰۱ دوره

اطلاعاتی که برای بیمه گر مفید می باشد عبارتست از تعیین صفات و کیفیات و وضعیت و طبیعت مال بیمه شده و عیوب و نواقص آن و مخصوصاً اینکه آیا برای اصابت خطر مستعد می باشد یا نه و همچنین تعیین بعضی صفات مخصوص آن در اینجا باید بعضی صفات عمومی را برای بیمه گر معلوم فرض نمود - بیمه گذار باید در اظهار جواب مطابق حقیقت اطلاعات خود را بیان کند والا بیمه باطل خواهد بود چنانکه ماده ۱۲ قانون بیمه میگوید. « هر گاه بیمه گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود حتی اگر مراتب مذکوره تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد . . . » از قسمت آخر عبارت مزبور که میگوید « حتی اگر مراتب مذکوره تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد . . . » چنین استنباط میگردد که هر اظهار خلاف واقعی که از روی عمد باشد موجب بطلان عقد خواهد بود مثلاً اگر بیمه گذار وکیل یا قیم بوده ولی در بیمه نامه خود را مالک معرفی کرده باشد این اظهار خلاف واقع او تأثیری در وقوع حادثه ندارد ولی بموجب قسمت اخیر ماده علت بطلان عقد میگردد و حال آنکه قسمت اول ماده اظهار خلاف و کتمان حقیقی را موجب بطلان میدانند که موضوع خطر را تغییر دهد مثل اینکه کسی که میخواهد خانه خود را در مقابل حریق به بیمه دهد اگر در مجاورت او دکان پاروت فروشی است باید این امر را که در وقوع خطر مؤثر است با اطلاع بیمه گر برساند والا این مطلب اظهار نشده موضوع خطراً تغییر میدهد و باید عقد مزبور باطل محسوب گردد و ظاهراً قسمت اول ماده با قسمت آخر آن متضاد و غیر قابل التیام بنظر میرسد.

توضیح و اصلاح

مقاله ای که در شماره ۵۰۰ تحت عنوان قرارداد ژنو راجع بیهودس نوشت
بیماران و زخم داران در نیروهای مسلح هنگام اردو کشی درج گردیده تحقیقی
و تشریحی است که آقایان سید ناصر سر کشیک و منوچهر معین افشاری فارغ التحصیلان
دوره دکترای حقوق دانشگاه تهران در این موضوع نموده اند و مورد توجه خاص قرار
گرفته و بقرار اطلاع واصله بهترین سمینر کلاس دروس استاد حقوق جزائی بین المللی
بوده است.

مجله کانون و کلاء دادگستری